

الخروج في رواية اليماني !

خروج در روایت یمانی!

قال الإمام الباقر (عليه السلام): (... خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة، فی شهر واحد، فی يوم واحد، نظام كنظام الخرز يتبع بعضه بعضاً فيكون البأس من كل وجه، ويل لمن ناوهم، وليس في الرايات راية أهدى من راية اليماني، هي راية هدى؛ لأنه يدعو إلى صاحبكم، فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكل مسلم، وإذا خرج اليماني فانهض إليه فإن رايته راية هدى، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار، لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم) (1).

امام باقر (عليه السلام) می فرماید: «... خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها درافتد. در میان پرچم‌ها، پرچمی هدایت‌یافته‌تر از پرچم یمانی نیست؛ پرچم هدایت، همان است زیرا او به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پا خیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و رویگردانی از آن برای مسلمان، شایسته و جایز نیست و هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند» (2).

يفترض البعض أن نصرۃ الیمانی مشروطة بالخروج للقتال، وأما قبل ذلك فلا وجوب لطاعته فضلاً عن نصرته، هذا ما يزعمه البعض.

1. الغيبة للنعمانی: ص 262.

2 - غیبت نعمانی: ص 262.

برخی چنین فرض گرفته‌اند که نصرت و یاری یمانی مشروط به خروج او جهت جنگ و قتال است، و قبل از آن اطاعت از وی واجب نیست، چه برسد به یاری نمودن او. این پندار عده‌ای می‌باشد!

**وبرغم أن رواية اليماني تبين أن اليماني خليفة وحجة إلهي،
والخليفة الإلهي طاعته ونصرتة واجبة من أول لحظة يبتدئ فيها
دعوته، وهو ما أوضحه السيد أحمد الحسن (عليه السلام) وأنصاره في
كتب كثيرة، ولكنه (عليه السلام) لا يفتأ أن يلفت نظر طلاب الحق إلى خطأ
هذا الفهم لرواية اليماني بصيغة السؤال أيضاً، يقول:**

این در حالی است که روایت یمانی بیان می‌دارد که یمانی خلیفه و حجت الهی است، و از همان نخستین لحظه‌ای که خلیفه‌ی الهی دعوتش را آغاز می‌کند، طاعت و نصرت او واجب می‌باشد. این همان چیزی است که سید احمد الحسن (علیه السلام) و انصار او در کتب عدیده توضیح داده‌اند ولی ایشان (علیه السلام) از این نکته غافل نمی‌ماند که در قالب یک سؤال نظر طالبان حقیقت را به وجود خطا در این فهم از روایت یمانی، جلب نماید و می‌فرماید:

**[الرواية فيها أن اليماني صاحب راية، أي قائد جيش، وفيها أيضاً
إذا خرج فيجب النهوض له أي القتال معه، فهل يعقل أن شخصاً
يقاتل مع قائد وهو لم يبايعه من قبل ويؤمن به ؟]**

«در روایت آمده است که یمانی صاحب پرچم است یعنی وی فرمانده ارتش می‌باشد و نیز در آن آمده که وقتی یمانی خروج کرد، قیام با او یعنی نبرد همراه وی واجب می‌شود. حال آیا معقول است که فردی در رکاب فرماندهی که قبلاً با او بیعت نکرده و به او ایمان ندارد بجنگد؟»

**كما أن البعض يفهم من الرواية أن الثلاثة أي (اليماني
والخراساني والسفياي)، يبتدؤون دعوتهم ويظهرون في يوم واحد؛
لأنهم يخرجون في يوم واحد بحسب نص الرواية.**

برخی نیز از این روایت چنین فهمیده‌اند که این سه یعنی یمانی، خراسانی و سفیانی، دعوت خود را در یک روز آغاز می‌کنند و در یک روز ظاهر می‌شوند زیرا طبق متن روایت، آنها در یک روز واحد خروج می‌کنند.

وواضح أن لا ملازمة بين وحدة زمن خروجهم للقتال وبين وحدة ابتداء دعوتهم للناس للانضواء تحت راياتهم، والتي تسبق الخروج للقتال بكل تأكيد.

البته واضح است که بین یکی بودن زمان خروج آنها برای نبرد، و یکی بودن شروع دعوت آنها از مردم برای گرد آمدن زیر پرچمشان، ملازمتی وجود ندارد و این که خروج برای نبرد به طور کامل تاکید شده است.

وكان (عليه السلام) يقول لمثل هذا السائل:

سید احمد الحسن (علیه السلام) خطاب به چنین سؤال کننده ای فرمود:

[هل تظن أنهم يظهرون ويجهزون جيوش ويتقاتلون بجيوش جراحة خلال أربع وعشرين ساعة مثلاً؟ هل العقل يقبل هذا الفهم؟]
«آیا گمان می کنی آنها ظرف بیست و چهار ساعت ظاهر می شوند و لشکریان را تجهیز می کنند و با ارتشی انبوه به نبرد روی می آورند؟ آیا عقل چنین درکی را قبول دارد؟».

* * *